



کارگاه ترجمه (۱۶)

از زمین و زمان، از ضمیر و زلفه‌ان

کریم امامی

سر مشق مغلوط

ارائه نمونه ترجمه مترجمان معروف و با سابقه در مجله بدون هیچ‌گونه نقادی و ارزیابی و احیاناً همراه مقداری ستایش می‌تواند زیان‌بخش باشد. در شماره سی و دوم مترجم (بهار و تابستان ۷۹) چند صفحه‌ای از ترجمه انگلیسی داستان "پادنگ"، نوشته زنده‌یاد بزرگ علوی (از کتاب ورق‌پاره‌های زندان)، نقل شده بود که متأسفانه حاوی چند غلط مسلم بود و اشاره‌ای به این موارد در مقدمه یا حاشیه نشده بود. مترجم، آقای دانه (دانا؟) رفعت، از آن ایرانی‌های نسل دوم است که طبعاً انگلیسی را بسیار خوب می‌داند ولی به نظر می‌رسد که با فارسی محاوره‌ای شصت هفتاد سال پیش آنچنان که شاید و باید آشنا نیست و همین باعث اشکال شده است.

اینک آن چند مورد:

● این غلام حسین نظافت‌چی ما دیروز مرخص شد.

Yesterday our own Qolam-Hossein Neẓafatchi was released.

از ترجمه انگلیسی چنین برمی‌آید که "نظافت‌چی" نام خانوادگی غلام حسین است. در حالی که "نظافت‌چی" کار او در زندان بوده و باید ترجمه می‌شده، مثلاً به این شکل:

Yesterday Gholam-Hossein, our cleaning man, was released.

● محکوم شده بود به سه سال حبس. He had been sentenced to three years in prison.

با خواندن ادامه داستان معلوم می‌شود مغایرت بین "سه" و "three" ناشی از غلط چاپی در متن فارسی است و "سه سال" درست است.

● تبر دولتی را دزدیده بود، رفته بود جنده‌خانه و تبرها را به جای پول سر مامانش ریخته بود.

He had stolen some government stamps, gone to the whore house, and showered them over his mother's head in lieu of money.

اینجا دیگر استنباط غلط مترجم از "مامان" وضع مضحکی را به وجود آورده است آیا مترجم از خودش نپرسیده مادر طرف در فاحشه‌خانه چه می‌کرده است؟ سعی در رفع و رجوع:

He had stolen some government stamps, gone to the whore house, and showered them over his lady-love's head in lieu of money.

● آن قاضی محکمه حسین‌قلی‌خانی که خودش حبس نبوده ...

That judge, Hosseingolikhani, who had never seen the inside of a prison ...

حسین‌قلی‌خانی اسم قاضی نیست بلکه صفتی است برای محکمه. استاد ابو الحسن نجفی در کتاب فرهنگ فارسی عامیانه حسینقلی‌خانی را "هرج و مرج و بی‌نظمی" تعریف کرده‌اند. بنابراین اگر اصطلاح kangaroo court را در برابر محکمه حسینقلی‌خانی بپذیریم (که دقیقاً هم‌ارز نیستند) می‌توانیم بگوییم:

The judge presiding over the kangaroo court, who had never seen the inside of a prison himself...

نتیجه‌ای که می‌گیریم این است: یا آقای رفعت باید همکاری فارسی‌دان‌تر از خود انتخاب می‌کرده و یا ترجمه را به دست ویراستاری می‌سپرده. حیف است کار آقای رفعت که در اساس خوب است از این جور مشکلات کوچک لطمه بخورد.

مشکل معاونت

یکی از مواردی که در سال‌های اخیر برای مترجمان وزارتتی در ایران بسیار مشکل‌ساز بوده یافتن معادل مناسبی برای "معاونت" و "حوزه معاونت" است. در تابلوهای دوزبانه‌ای که رسم شده است در خیابان‌ها در نزدیکی وزارتخانه یا سازمانی نصب کنند انواع و اقسام کوشش‌ها به چشم می‌خورد و نتیجه کار هم اگر مضحک نباشد اغلب نادرست است. نگارنده این سطور هم پاسخ آماده‌ای برای این مشکل ندارد (چون اگر یافتن پاسخ آسان بود که دوستان دیگر تاکنون به آن رسیده بودند)، و قصد او از مطرح کردن موضوع بیشتر برای شکافتن آن و نشان دادن مشکلات کار است.

اولین مشکل از این‌جانشی می‌شود که "معاون وزیر" در انگلیسی نه یک معادل که چند معادل دارد، که آن هم به این علت است که خود "وزیر" هم بیش‌تر از یک معادل دارد. از وزیر شروع کنیم؛ معادل معمول برای آن minister است (کاری به vizier که برای وزیران کشورهای مشرق‌زمین در عهد بوق به کار می‌رفت نداریم) منتهی در امریکا همه وزیران و در انگلستان بعضی از وزیران را secretary می‌خوانند (مثلاً Home Secretary در انگلیس و Secretary of the State در امریکا که اولی وزیر کشور است و دومی وزیر امور خارجه).

معادل معمول برای "معاون وزیر" در اشاره به کشورهای غیرانگلیسی‌زبان و مخصوصاً کشورهایی

مثل روسیه و چین deputy minister است. استفاده از این واژه برای معاونان وزارتخانه‌های ایران هاشکالی ندارد، هرچند که در اصل deputy به معنی جانشین و قائم‌مقام است و قاعدتاً یک وزیر نمی‌تواند سه یا چهار قائم‌مقام داشته باشد. معاونان وزارتخانه‌های آمریکا همه assistant secretary هستند و در انگلستان بعضی undersecretary برخی هم minister of state و بعضی assistant minister را فراموش کنید.

کشورهای انگلیسی‌زبان در اشاره به معاونان وزارتخانه‌های خود از اصطلاح deputy minister استفاده نمی‌کنند و از این رو واژگان خویشاوند با آن هم رشد نکرده است. در حالی که undersecretary کاملاً جا افتاده و اسم undersecretaryship را هم از آن ساخته‌اند (که می‌تواند برای مقام و حوزه معاونت به کار برود) ولی متأسفانه واژه رایجی نیست. حوزه مسئولیت یک معاون خاص با for مشخص می‌شود، به این ترتیب:

Assistant Secretary of State for Inter-American Affairs

حالا با این تفصیل اگر من ناچار باشم "حوزه معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری" را به انگلیسی ترجمه کنم پیشنهاد من عبارت زیر خواهد بود:

The Office of the Deputy Minister of Science, Research and Technology
for Research

ضمیر سوم شخص برای کشورها

وقتی در انگلیسی از کشوری صحبت می‌کنیم، بعد از ذکر نام کشور و ادامه صحبت کدام ضمیر سوم شخص را برای آن به کار ببریم؟ به جای "ایران" بگوییم he یا she یا it برای "انگلستان" یا "آمریکا" کدام را به کار ببریم؟

مردم کشورها از دیرباز با وطن‌شان نوعی رابطه عاطفی داشته‌اند. مام میهن برای‌شان نوعی مادر بوده است که آنان را در دامان خود پرورانده و بزرگ کرده. و طبیعی است اگر در انگلستان (England) که خاستگاه اصلی زبان انگلیسی است مردم با ضمیر سوم شخص مؤنث از میهن‌شان یاد کنند، با she و her. به مثال‌های زیر که آن‌ها را از گنجینه شاهدهای فرهنگ بزرگ آکسفورد دستچین کرده‌ام توجه کنید:

-- Then, England employed **her** influence... (1872)

-- In three weeks England will have **her** neck wrung like a chicken...(1941)

-- We might have forced England to **her** knees...(1978)

در دوره‌ای هم که ساکنان مجمع‌الجزایر بریتانیا به کشور خودشان با فخر Great Britain (بریتانیای عظمی) می‌گفتند همچنان همان ضمیر مؤنث به کار می‌رفت.

-- ... supplied by Great Britain or **her** colonies...(1896)

-- The only reasonable thing is for Great Britain to cut *her* losses, and bring the whole matter to an end. (1927)

در همان ایام وقتی هم در زبان انگلیسی صحبت از فرانسه و آلمان می‌شود باز هم به عادت مألوف با ضمیر مؤنث است.

-- France also can stand apart from Great Britain. *She* can join a continental *bloc* with Italy ... (1923)

-- Germany wants oil ... but if *she* is to go all out for victory, *she* must have at least 10,000,000 tons a year. (1940)

و اما از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم که امپراتوری بریتانیا مستعمراتش را از دست داد و استفاده از عنوان "بریتانیای عظمی" منسوخ شد، نام رسمی اتحادیه کشورهای انگلستان، اسکاتلند، ویلز و ایرلند شمالی شد the United Kingdom یا به اختصار U.K.، و این "یوک"ی تشکیلاتی دیگر مادر هیچ‌کس نیست. پس طبیعی است که از ضمیر سوم شخص مفرد *it* برای ارجاع به آن استفاده شود.

-- The United Kingdom is deeply concerned about *its* 'brain drain'. (1964)

و اما آمریکا. برای ایالات متحد آمریکا (The United States of America) همیشه از ضمیر سوم شخص مفرد *it* استفاده می‌شده است.

-- The United States *itself* is the leader of a new, hard, materialistic civilisation ... (1935)

-- The United States is about to reinforce *its* troops in Vietnam ... (1965)

و سرانجام ایران خودمان. در انگلیسی. اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم موارد بسیاری مشاهده می‌کنیم که در آن‌ها به میهن ما (Persia) با ضمیر مؤنث اشاره شده است ولی از وقتی Iran در خارج از ایران نیز نام رسمی کشور شد همه‌جا در اشاره به آن *it* و *its* می‌یابیم.

-- Persia *itself* does not produce good graine. (1930) (graine = تخم‌نوغان)

-- Persia protests to U.S.S.R. that Russian aircraft have violated *her* air space... (1954)

-- Iran is about to enter *its* Thermidor. (1981)

این Thermidor شاید نیاز به توضیح داشته باشد. در اصل نام یازدهمین ماه از گاهشماری من‌درآوردی. انقلابیون فرانسه بود که در نیمه تابستان (از ۱۹ ژوئیه تا ۱۷ اوت، مقارن ماه مرداد) واقع می‌شد. و اما در کاربرد امروز به معنی "دوران اعتدالی است که از پی انقلاب فرامی‌رسد".

و حالا خوب است نتیجه‌ای هم بگیریم. به نظر می‌رسد که گرایش جدید به سوی خنثی‌سازی ضمیر

و استفاده از it و its برای همه کشورها باشد. برای "ایران"، ما مترجمان سال‌هاست که تنها از ضمیر استفاده می‌کنیم مگر این‌که بخواهیم واژه ایران را عیناً تکرار کنیم.

حل یک مشکل قدیمی

بیشتر مترجمان با تجربه می‌دانند که برگرداندن عنوان کتاب‌ها، نمایشنامه‌ها و فیلم‌های سینمایی به فارسی بی‌آن‌که شخص کتاب را خواننده و یا نمایش و فیلم را دیده باشد یکی از دشوارترین و خطرناک‌ترین کارهاست، و بسیاری از قصه‌هایی که درباره بیسوادی و اشتباه کاری مترجمان با آب و تاب نقل می‌شوند از همین قبیل موارد است. نگارنده این سطور نیز خودش مدت‌ها درگیر معادل‌یابی درست برای عنوان کتابی بود که در رمان گتسبی بزرگ نوشته اسکات فیتس جرالده به آن اشاره می‌شود. و سرانجام بعد از سی سال، در چهارمین چاپ ترجمه، به سامان رسید. و اینک آن مورد:

عبارت Simon Called Peter (که در فصل دوم رمان به اشاره می‌شود) نام کتابی است که امروز به کلی فراموش شده است. مترجم عنوان را در چاپ اول به "سایمن پتر را صدا کرد" برگردانده بود ولی ته دلش از این ترجمه ناراضی بود. در این مورد نه تنها مترجم به نسخه‌ای از کتاب مورد اشاره دسترسی نداشت بلکه مشخصات آن را هم نیافته بود. در تدارک چاپ چهارم خوشبختانه مترجم توانست به چاپ تازه و ویراسته‌تری از رمان دسترسی پیدا کند که حاوی توضیحاتی نیز بود. در این "ویراست" انتقادی رمان که در سال ۱۹۹۲ انتشار یافته، پروفیسور بروکلی (Matthew J. Bruccoli)، ویراستار کتاب توضیح می‌دهد که کتاب مورد بحث رمانچه مبتدلی بوده است درباره عشق‌بازی‌های یک کشیش نظامی. و در این حال روشن شد که اشاره عنوان به یکی از حواریون حضرت عیسی است، و با این دلالت، ترجمه عنوان کتاب شد "شمعون معروف به پطروس". بحری است بحر عشق که هیچش کرانه نیست، و به همین سان است بی‌کرانگی بحر ترجمه!